



امام صادق(ع) فقه را در یک چرخه تعامل با کل جامعه اسلامی قرار داد

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: امام صادق(ع) پایه‌گذار یک مکتب بزرگ فقهی است، ایشان فقه را برای شیعه پایه‌گذاری کرد و از ذکر آن در تعامل با اهل سنت دریغ نمی‌کرد و آن را در یک چرخه تعاملی و ارایه به کل جامعه اسلامی قرار داد.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: امام صادق(ع) پایه‌گذار یک مکتب بزرگ فقهی است، ایشان فقه را برای شیعه پایه‌گذاری کرد و از ذکر آن در تعامل با اهل سنت دریغ نمی‌کرد و آن را در یک چرخه تعاملی و ارایه به کل جامعه اسلامی قرار داد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، ابوعبدالله جعفر بن محمد الصادق امام ششم شیعیان معروف به امام جعفر صادق(ع) در 25 شوال 148 هجری در سن 65 سالگی به شهادت رسید. به مناسبت سالروز شهادت این امام همام گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام احمد مبلغی، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی انجام دادیم.

***به صورت مقدماتی بفرمایید که اخلاق در اسلام دارای چه جایگاهی است؟**

اصولا اخلاق در اسلام از جایگاه اساسی، زیرساختی، جوهره‌ای و کاملاً تشکیل دهنده حقیقت نه حاشیه‌ای و عادی برخوردار است که این در کلام پیامبر اسلام (ص) که هدف بعثت خود را تکمیل اخلاق معرفی کردند، کاملاً منعکس شده است، اگر سیره خود پیامبر (ص) را که به وضوح دارای یک اخلاق متعالی، متمایز و متکامل است مطالعه کنیم به صحت این قول مطمئن می‌شویم.

تأکید قرآن کریم نیز با همه ابزار و تکنیک‌های پیامبر (ص) به صورت نسبتاً مکرر حاکی از این است که اخلاق در اسلام از یک نقش پایه‌ای و زیرساختی به یک معنی و جوهره‌ای به تعبیر دیگر برخوردار است. معنای اخلاق زیرساختی است، به این معناست که اگر اخلاق گرفته شود یا تضعیف شود گویی زیرساخت منهدم شده و با انهدام اخلاق روبنا که تعالیم دیگر اسلام است، مسخ شده و درونش از ماهیت تهی شده است و رویکردها و کارکردهای دیگری پیدا کرده یا فاقد کارکرد است.

***بنابراین این اخلاق در مکتب اهل بیت (ع) چطور متجلی شده است؟**

در مکتب اهل بیت (ع) این اخلاق اسلامی به صورت تفصیلی بسط داده شده و برجسته تر است. پیداست خود اخلاقی که امام علی بن ابی‌طالب (ع) رعایت می‌کردند در جامعه جهان را مبهوت کرده و کسانی که این سیره را مطالعه کنند چه سیره حضرت در جنگ‌ها، جامعه یا مواجه با افراد مشاهده می‌کنند که اخلاق یک کارکرد اساسی در حکومت حضرت (ع) داشته و قوی‌ترین و اساسی‌ترین جایگاه‌ها و غیرقابل اغماض‌ترین حوزه را برخوردار بوده است، در سیره امام سجاد (ع) نیز به خصوص وقتی که ایشان فرصتی را پیدا می‌کنند در جامعه که مناسب است، گزینه‌های فراوانی در مقابلشان است که این فرصت در اختیار را مصروف انجام یکی از آن گزینه‌ها کند در میان این گزینه‌ها حضرت اولویت را به مکارم اخلاق می‌دهد و این حاکی است که اخلاق در مکتب اهل بیت (ع) از برترین جایگاه برخوردار است و اهل بیت را نمی‌توان از اخلاق جدا کرد و اهل بیت منهای اخلاق درک واقعی اهل بیت نیست و یا نزدیک شدن اهل بیت (ع) بدون اخلاق به معنایی دور شدن از آنها است.

***پس می‌توان بیان کرد که عصر طلایی امام صادق از تلاش‌های امام سجاد (ع) ناشی شده است؟**

-بله می توان بیان کرد که دوره امام سجاد دوره استثنایی و طلایی است که بعد از انقلاب امام حسین (ع) شکل گرفت چرا که ایشان تلاش خود را مصروف مکارم اخلاقی کرد، حضرت می داند که یک جامعه آسیب دیده و انحطاطی به لحاظ اخلاقی و فرهنگی بیشترین نیازمندی اش اخلاق اجتماعی است پس اخلاق زیرساختی ترین مقوله ای است که دین در پی ایجاد آن بوده و حیات و حرکت خود و استقرار آموزه های فرهنگی و فکری را تنها در شرایط استقرار اخلاق اجتماعی می بیند.

این حرکت در عصر امام صادق (ع) تجلی اجتماعی بیشتری پیدا کرد چرا که در عصر امام علی (ع) جنگ ها فرصت استقرار یک مناسبت اجتماعی را که اخلاق اهل بیت (ع) در آن انعکاس پیدا کند به صورت حداکثری و گسترده نداد، در عصر امام سجاد (ع) هم تأسیس یک نظام اخلاقی صورت گرفت، در زمان امام باقر و امام صادق (ع) وضعیت اجتماعی مناسب است از این حیث که یک نوع بستر برای تشکیل مناسبات بین آحاد جامعه ایجاد و یک نوع آرامش در مناسبات اجتماعی برقرار شد.

*این آرامش اجتماعی توسط حاکمان تحت تأثیر منفی قرار نمی گرفت؟

-البته این آرامش توسط حاکمان تحت تأثیر منفی قرار می گرفت ولی جامعه یک نوع استقرار از حیث نظم مناسباتی فی ما بین شیعه و سنی برقرار کرد و آمد و شدهای مکرر بین علمای شیعه و سنی با یکدیگر و علمای اهل سنت و امامانشان با امام باقر و امام صادق (ع) و در آمیختگی فعالیت های علمی این حوزه، مطالعات و بحث های علمی بین اصحاب امامان، خود امامان و علمای اهل سنت همه بر یک واقعیت حکایت و دلالت دارد و آن این است که این عصر، عصری است که نوعی از مناسبات اجتماعی سالم بین اجزای امت برقرار شده است.

در چنین شرایطی اهل بیت (ع) که همیشه یکی از کارویژه های آنها تزریق اخلاق اجتماعی به جامعه بود و از مختصات آنها این بود که فضاها و فرصت های پیش آمده در جامعه را به نفع اخلاق که گوهر اسلام است مصادره کنند و گام های جامعه را به سمت اخلاقی تر کردن پیش ببرند امام صادق (ع) و سیره او از حیث تمرکز بر اخلاق و توفیق در توسعه اخلاق و اخلاق اجتماعی و برقراری یک ارتباط پرعاطفه و محبت زا بین اجزا امت اسلامی یک حقیقتی است که به خوبی منعکس شده است.

*آیا مناسبات اخلاقی در دوران امام صادق (ع) برگرفته از شیوه تعلیم ایشان بوده است؟

-تعالیمی که امام صادق (ع) ارایه دادند به چند دسته تقسیم می شود یک تعالیمی که بنیه فکری و اعتقادی شیعه را تقویت می کرد دوم تعالیمی که می کوشید تا فقه اهل بیتی را بین شیعه مستقر سازد و سوم تعالیمی که می کوشید تا اخلاق اسلامی را به بین شیعه ایجاد کند، با رویکرد تقریب و نزدیک شدن به اهل سنت و تلطیف هرچه بیشتر شدن مناسبات و نزدیک شدن هرچه بیشتر به آنها، تعالیم اخلاقی صادر از امام صادق (ع) نسبت به شاگردانشان یک فصل مشعشع شیرین و سند پرافتخاری است که راه اهل بیت را نشان می دهد.

امام صادق (ع) دستورانشان به شیعیان اخلاقی به ویژه اخلاق مناسباتی است دستوری که دارند این است که شما با اهل سنت معاشرت کنید با آنها مخلوط شوید و مریض های آنها را عیادت و با آنها در مساجد شرکت کنید حتی در مسجدها اذان بگویید و در

همه اینها حکایت از این دارد که آن مکارم اخلاقی ذخیره شده در مکتب اهل بیت (ع) که از حرکت امام سجاد (ع) می‌تراود و از گذر و سیره امام علی(ع) به جامعه منتقل شد چرا که جامعه قابلیت دریافتش را نداشت، آن اخلاق در زمان امام صادق (ع) وضعیتی دارد که مثل روح می‌تواند در جامعه جریان یابد و جامعه را اخلاقی و متحد و منسجم کند و امت اسلامی را از حیث مناسباتی در بهترین وضع خود قرار دارد، زمان امام صادق (ع) یکی از بهترین زمان‌های تقریب مذاهب اسلامی است و اتباع مذاهب در بهترین شرایط قرار دارند و مذاهب در بهترین وضعیت به سر می‌بردند ولی کمتر این دوره مورد مطالعه قرار گرفته است.

*توضیحی درباره وضعیت مناظرات در دوره امام صادق (ع) بفرمایید و اینکه آیا این سنخ مناظرات در آن دوره بر مدار اخلاق بوده است؟

-برای اینکه در جریان مناظرات آن دوره قرار بگیریم باید بدانیم که ما در آن دوره دو سنخ مناظرات را می‌توانیم رصد کنیم یک سنخ مناظراتی که حاکمان و خلفای بنی عباس برای ایجاد نوعی تحکم و سلطه در بین علما چه علمای مکتب اهل بیت چه علمای اهل سنت و به نوعی کنترل علما را در ایجاد مناظره‌ها شدنی می‌دیدند پس این دسته مناظرات رقابتی بود و جنبه علم و توسعه علم را نداشت و بیشتر برای قالب شدن و مغلوب کردن با این هدف شکل می‌گرفت.

یک نوع مناظره دیگر نیز در همان زمان از دسترس حاکمان به دور بود و در میان علما رخ می‌داد و بیشتر عرضه انتقال کالاهای علمی و گاه با هدف شناخته شدن مجهولات و تبدیل آنها به معلومات بود و یک نوع زورآزمایی علمی که در هر مدرسه و مکتبی اگر شکل گیرد آن فضا و جامعه را به سوی پیشرفت سوق می‌دهد، از این دست بود. در این نوع مناظرات که فضای بین شیعه و سنی یا بین خود اهل سنت هم رخ می‌داد در مساجد بود که نمونه‌های آن در تاریخ زیاد است در این میان طبعاً مناظرات بین مکتب‌های اهل سنت مثلاً مکتب رأی و مکتب حجاب مثلاً ابوحنیفه و دیگران بیشتر محتوای علمی را بازمی‌تاباند و یک نوع صحنه زورآزمایی علمی بود.

بنابراین این مناظرات جنبه اختلاف افکنی و دشمنی نداشت، صحنه‌ای بود که هر کسی کالاهای خود را عرضه می‌کرد اهل بیت هم بهترین کالاهای فرهنگی و علمی و اندیشه‌ای و اخلاقی را داشتند و از این فرصت استفاده می‌کردند بدون اینکه بخواهند مناسبات را بهم بزنند یا عداوتی ایجاد کنند، فضای آن روز فضای عداوت نبود، البته گاهی اگر خلفا می‌خواستند از امام استفاده کنند و او را در یک فضای رقابتی قرار بدهند از فضای رقابتی استفاده می‌کردند، به طور مثال در مناظره‌ای که تحت کنترل منصور دوانیقی شکل گرفت و ابوحنیفه تحت فشار قرار گرفته شد که چهل سوال سخت و پیچیده را در یک جلسه از امام صادق بپرسد تا امام‌صادق به صورت ناگهانی با چهل سوال مواجه بشود و در تصور منصور امام نتواند پاسخ دهد و مغلوب شود، امام وقتی در این مناظره شرکت می‌کند کاملاً جواب‌های هوشمندانه می‌دهد، ایشان نوع تعاملش طوری است که خنثی کننده هدفی است که منصور در پی آن است به طوریکه هر پاسخی متضمن سه جواب است، یکی رای حجازی‌ها، عراقی‌ها و رأی اهل بیت یعنی هر سوالی سه جواب داشت و ایشان نه تنها مغلوب نشد آن رقابتی که منصور می‌خواست بین شیعه و سنی ایجاد کند باعث شد تا ابوحنیفه در این مناظره به همگرایی با امام صادق (ع) پی ببرد.

*در نهایت مهمترین گامی که باید در راستای ترویج اندیشه‌های اخلاقی امام صادق (ع) در جامعه برداشت، چیست؟

ما باید از حیث علمی اندیشه‌های حضرت را به چند دسته اعتقادی، مناسباتی (اخلاق و مناسبات شیعه و سنی) و فرهنگی تقسیم کنیم که هر یک در جامعه باید استقرار پیدا کند و در نهایت اندیشه‌های فقهی را ترویج دهیم چراکه امام صادق پایه گذار یک مکتب بزرگ فقهی است البته او فقه را برای شیعه پایه گذاری کردند ولی از ذکر آن در تعامل با اهل سنت دریغ نمی‌کردند و آن را در یک چرخه تعاملی و ارایه به کل جامعه اسلامی قرار می‌دادند، پس جامعه باید این اندیشه‌ها را مورد توجه قرار دهد این نشان می‌دهد که جامعه به سمت علم دینی و همینطور بشری در فضاهای مادی و دنیوی حرکت می‌کند.